

بررسی تطبیقی مبانی نظری نظام بازار آزاد سرمایه‌داری و نظام جهانی اسلام و عملکرد این دو در قبال محیط زیست

نسرین مصفا^۱

دانشیار گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

بهرام عین‌الهی

کارشناس ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۵ - تاریخ تصویب: ۹۴/۱۰/۵)

چکیده

نظام بازار آزاد سرمایه‌داری نظامی است که از سطح آرمان فراتر رفته و در سطح جهانی تحقق یافته است، اما با وجود دستاوردهای مادی که برای بشر داشته به‌علت نقش آن در تخریب و نابودی محیط زیست کارکرد خود را از دست داده است. این عملکرد منفی در خلأ شکل نگرفته و ناشی از مبانی نظری این نظام است. نظام جهانی اسلام یک نظام آرمانی است و مبانی نظری آن، که از قرآن و سنت پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) قابل استخراج است، به‌گونه‌ای است که علاوه بر حفظ توازن طبیعت آن را کمال می‌بخشد. با بررسی مبانی نظری نظام اسلامی و مقایسه آن با مبانی نظری نظام بازار آزاد سرمایه‌داری می‌توان پی برد که نظام اسلامی بر خلاف نظام بازار آزاد از منظر مبانی نظری، توانایی حل بحران زیست‌محیطی کنونی جهان را دارد. هدف مقاله حاضر تبیین علل اصلی این بحران و ارائه یک راه‌حل ریشه‌ای در این زمینه است.

واژگان کلیدی

بازار آزاد، توسعه پایدار، عدالت بین‌نسلی، محیط زیست، منطق تکلیف، منطق نتیجه، نظام اسلامی

مقدمه

هر نظامی در راستای اهداف خاصی است، ولی همه نظام‌ها دارای یک هدف مشترک یعنی نظم بخشیدن به مجموعه‌ای از اجزای پراکنده‌اند. اما آیا مکاتب و نظام‌های مادی که پشتوانه آنها عقل محاسبه‌گر و محدود انسانی است، می‌تواند به اجزای پراکنده این جهان نظم و سامان بخشد و آن را به پیش برد یا موجب کژکارکردی و توسعه و پیشرفت نامتوازن اجزا می‌شود و در عمل برخی از اجزای این پیکره را رو به نابودی می‌برد؟ نابودی هر عضو از کل بزرگ‌تر موجب بیماری و در نهایت نابودی کل خواهد شد. با سلطه کلیسا بر اروپا در دوران قرون وسطی و عقب‌ماندگی و انجماد پس از آن این شبهه به وجود آمد که دین موجب عقب‌ماندگی بشریت است. از این رو اندیشمندان غربی عملکرد منفی کلیسا را به دین نیز تعمیم دادند، آن را کنار گذاشتند و پایه یک نظام مادی را پی ریختند. در این زمان اندیشمندانی چون مارتین لوتر و به خصوص ژان کالوین با تفسیری خاص از مسیحیت پایه‌ای ایدئولوژیک برای سرمایه‌داری فراهم کردند. بعد از فروپاشی کلیسا و به خصوص با آغاز تجارت آزاد و انقلاب صنعتی در اروپا در اواسط قرن هجدهم میلادی نظام بازار آزاد سرمایه‌داری موجب رشد و ترقی مادی بی‌سابقه بشر شده و از این طریق تمام نظام‌های رقیب را در حاشیه نگه داشته است.

با پیدایش جنبش‌های طرفدار محیط زیست در عرصه بین‌المللی و افشاگری‌های آن در این مورد که صنعتی شدن موجب تخریب محیط زیست شده از یک طرف، و خیزش صدهای تازه چون اسلام، که مدعی حکومت جهانی است، در مورد ارجحیت و حقانیت نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد تردید ایجاد شده است. یکی از ابعادی که بازار آزاد سرمایه‌داری از آن غافل بوده و حتی تخریب آن را نیز در پی داشته، محیط زیست است و رشد مداوم نظام بین‌الملل به طریق قبل بقای محیط زیست طبیعی یا سیستم جهانی را تهدید می‌کند (Daly & Cobb, 1994: 2).

سؤالی که پیش می‌آید این است که چرا نظام بازار آزاد از مسئله محیط زیست غافل است و موجب تخریب آن می‌شود؟ اگر نظام بازار آزاد موجب تخریب محیط زیست می‌شود، چه نظام بدیلی برای آن وجود دارد که از مسئله محیط زیست غافل نباشد؟

زمینه پژوهش

در پاسخ به هر یک از دو پرسش بالا پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به چند مورد زیر اشاره می‌شود:

ادجای کتاب خود را در حوزه اقتصاد زیست‌محیطی و توسعه پایدار نوشته است. وی معتقد است که ایده بازار آزاد به‌خوبی برای منابع زیست‌محیطی کار نمی‌کند، بازارها تحت

نظریه اقتصادی سنتی عمل می‌کند و در زمینه منابع زیست‌محیطی با شکست (شکست بازار) مواجه می‌شوند (Adjaye, 1999).

به نظر دیلی اقتصاددانان در ابتدا به دولت‌ها پیشنهاد می‌کنند که هزینه‌های داخلی‌شان را درونی کنند، سپس با ملت‌هایی که این‌گونه نیستند، تجارت آزاد کنند. این امر موجب به‌هم‌پیوستگی و ایجاد نظام تجاری جهانی شده می‌شود، که در آن محاسبه هزینه‌ها، مانند هزینه‌های زیست‌محیطی دشوار، اما صدور آن آسان است (Daly & Cobb, 1994).

گری استدلال می‌کند که اقتصاد بین‌الملل بازار آزاد در نقطه مقابل ثبات اجتماعی و حفظ محیط زیست است. وی بین جهانی شدن و سرمایه‌داری جهانی تفاوت قائل شده و معتقد است که سرمایه‌داری جهانی یک طرح سیاسی آمریکایی است که با توسعه ناپایدار، تمدن لیبرالی را تهدید می‌کند (Gray, 1999).

هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌طور ریشه‌ای به دلایل بحران زیست‌محیطی و راه‌حل‌های آن پرداخته‌اند، از این‌رو هدف مقاله حاضر تبیین علل اصلی این بحران و ارائه یک راه حل ارمانی در این زمینه است. در جواب دو سؤال پژوهش دو پاسخ ارائه می‌دهیم که فرضیه‌های پژوهش ما را تشکیل می‌دهند: فرضیه اول، این است که «مبانی نظری نظام بازار آزاد موجب تخریب محیط زیست می‌شود». فرضیه دوم اینکه «مبانی نظری نظام اسلامی می‌تواند موجب حفظ و تکامل محیط زیست شود».

در جریان «شورش‌های سیاتل» (Seattle Riots) در جریان نشست سازمان تجارت جهانی در نوامبر و دسامبر ۱۹۹۹، دو نظر متفاوت ابراز شد، اقتصاددانان همچنان تأکید می‌کردند که تجارت به محیط زیست طبیعی کمک می‌کند، زیرا کشورهای ثروتمند بهتر می‌توانند نواحی آسیب‌نندیده‌شان را حفظ کنند و در مقابل محیط‌زیست‌گرایان معتقد بودند که پیگیری ثروت ملی موجب تخریب محیط زیست جهانی می‌شود، و اینکه تجارت جهانی موجب تسریع این روند خواهد شد (Lofdahl, 2002: Preface).

هم‌اکنون بحث تجارت آزاد و بازار آزاد نولیبرالی و محیط زیست بر سیاست‌های اصلاحی قابل عمل متمرکز است، یعنی رویکردی حل‌المسائلی (Problem-Solving Approach)، که اصول بنیادین نظم اقتصادی نولیبرال موجود را مسلم فرض می‌کند. یکی از فرایندهایی که درصدد آشتی دادن ارجحیت‌های محیط‌زیست‌گرایان و طرفداران تجارت آزاد است، توسط «اقتصاددانان محیط‌زیست‌گرا» (Environmental Economists) و «حقوقدانان بین‌المللی» (International Lawyers) ارائه شده است (Taylor & Thomas, 1999: 69). اما این رویکردهای حل‌المسائلی تنها می‌توانند نابودی کامل محیط زیست را به تأخیر بیندازند و قادر به حل

ریشه‌ای بحران زیست‌محیطی نیستند. از این رو در این بین صدای سومی نیز وجود دارد و آن توجه به مبانی نظری اسلام است که قادر به حفظ توازن محیط زیست است. این پژوهش از سه قسمت اصلی تشکیل شده است: منطق اقدام: منطق نتیجه یا تکلیف، مصرف‌گرایی یا کمال‌گرایی و طبیعت‌نظامی باز یا بسته. در بخش نتیجه‌گیری، به یافته‌های پژوهش اشاره شده و سرنخ‌هایی برای پژوهش‌های آینده ارائه می‌شود.

مبانی نظری نظام بازار آزاد سرمایه‌داری و نظام جهانی اسلام و عملکرد این دو در قبال محیط زیست

مبانی نظری یک نظام تعیین‌کننده عملکرد آن در عالم واقع است، از این رو در این بخش به‌طور مقایسه‌ای مبانی نظری نظام بازار آزاد سرمایه‌داری و نظام جهانی اسلام و تأثیر این مبانی بر عملکرد این دو نظام در قبال محیط زیست تبیین می‌شود.

منطق اقدام: منطق نتیجه یا منطق تکلیف

منطق اقدام یعنی اینکه کنشگر اقدام و عمل خود در قبال مسائل مختلف و در اینجا محیط زیست را بر چه مبنایی و با چه هدفی انجام می‌دهد. براساس اینکه یک اقدام بر مبنای چه منطقی در قبال مسئله‌ای مانند محیط زیست انجام گیرد، پیامدهای متفاوتی را در پی خواهد داشت.

از لحاظ نظری پایه نظام بازار آزاد سرمایه‌داری خردگرایی است. در خردگرایی بر توانایی خرد انسانی در فهم و شناخت واقعیت و خردورزی کنشگران تأکید می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۲۱). این عقلانیت «عقلانیت ابزاری و مادی» است که مبنای محاسباتی خود را تحلیل «هزینه و فایده» (Cost & Benefits) اقتصادمحور تعریف می‌کند (خسروی، ۱۳۹۱: ۸۱). بنیان‌های عقلانی جهانی شدن و تجارت آزاد توسط نیاکان علم اقتصاد مدرن، یعنی آدام اسمیت و دیوید ریکاردو، توسعه داده شده و ایده‌های این دو بنیانی را برای اقتصاد جهانی قرن بیستم شکل داد (Lofdahl, 2002: 7). اگرچه اسمیت به‌طور خاص به «سرمایه داری» رجوع نمی‌کند، به وضعیتی با عنوان «نظام آزادی طبیعی»، که در آن چیزها رها شده‌اند تا مسیر طبیعی‌شان را طی کنند، یعنی جایی که در آن آزادی کامل جود دارد، اشاره می‌کند (Strause & Cropsey, 1987: 652). منظور آدام اسمیت از «انسان اقتصادی» (Economic Man) این است که همه اهداف نوع‌دوستانه، عاطفی، مذهبی یا اجتماعی تابع حداکثر شدن منافع مادی در فرایند تصمیم‌گیری است (میلر، ۱۳۹۰: ۳۴ و ۳۷). بر این اساس می‌توان گفت که در نظام سرمایه‌داری و بازار آزاد «منطق

نتیجه» پایه همه تصمیم‌گیری‌ها را چه در سطح فردی و داخلی و چه در سطح بین‌المللی تشکیل می‌دهد.

منطق نتیجه موجب می‌شود که افراد (در داخل) و دولت‌ها (در سطح بین‌المللی) پیش از هر کنش یا واکنشی در قبال مسائل خارجی مانند محیط زیست، ابتدا به محاسبه میزان سود یا زیانی که از گزینه‌های بدیل عایدشان می‌شود، بپردازند و سپس گزینه‌ای را که سود شخصی آنها را حداکثر و زیانشان را حداقل کند، برگزینند. از این رو می‌توان گفت زوال محیط زیست محصول پیگیری سود شخصی توسط فرد است (Kegley & Blanton, 2011: 576).

طبیعی است که در این نظام اگر کنشگری در محاسبات خود به این نتیجه برسد که بهره‌برداری حداکثری از منابع طبیعی، حتی اگر به تخریب گسترده محیط زیست بینجامد، اما نفع شخصی او را در پی خواهد داشت از این کار امتناع نخواهد کرد. با اینکه محیط زیست یک «خیر عمومی» (Public Goods) است، اما چون خسارات وارده به آن در محاسبات اقتصادی کنشگران آزاد و خردمند و خودپرست نمی‌گنجد، به راحتی تخریب می‌شود و مورد استثمار غارتگران طبیعت قرار می‌گیرد. حتی شرکت‌های چندملیتی (MNCs) نیز به وسیله وفاداری‌های ملی خود برانگیخته شده و در تعقیب دستاوردهای اقتصادی «کوتاه‌مدت» (Short-Term) آزادند، که اغلب به محیط زیست آسیب می‌رساند (Lofdash, 2002: 7).

پنج عنصر کلیدی محیط زیست عبارت‌اند از: جنگل، تنوع زیستی، زمین، آب، هوا و زباله‌های سمی و خطرناک (Mukhopadhyay, 2010: 69). انسان‌ها پس از انقلاب صنعتی تا کنون بیشتر منابعی را که در طول ۲۵۰ سال در زمین وجود داشته است، به نام توسعه اقتصادی و پیشرفت انسان، مصرف کرده‌اند (<http://islamicclimatedeclaration.org/islamic-declaration-on-global-climate-change>). «مؤسسه منابع جهانی» تخمین زده است که در هشت هزار سال گذشته حدود نیمی از جنگل‌هایی که زمانی سطح کره زمین را پوشانده است در راستای دامداری، کشتزار، چراگاه و کاربردهای دیگر از بین رفته است، و تنها یک‌پنجم جنگل‌های اصلی باقی مانده، که به‌عنوان «جنگل‌های سرحدی» (Frontier Forests) شناخته شده‌اند. اکنون سه‌چهارم جنگل‌های جهان در جنوب کره زمین قرار دارد، که نظام بازار آزاد در این کشورها به‌طور کامل رخنه نکرده است (WDI, 2009). اما در حال حاضر جنگل‌زدایی (Deforestation) با سرعت در باقیمانده جنگل‌های مرطوب استوایی آمازون، غرب آفریقا و جنوب شرقی آسیا در حال رخ دادن است (WDR, 2008: 191).

از نظر تغییر اقلیم گیاهان سبز با عمل فتوسنتز دی‌اکسید کربن را از اتمسفر می‌زدایند. بنابراین با قطع جنگل‌ها فرایندهای طبیعی که گازهای گلخانه‌ای را رفع می‌کنند از بین می‌روند، و از آنجا که جنگل‌ها تخریب شده یا می‌سوزند، مقدار دی‌اکسید کربنی که به هوا

آزاد می‌شود افزایش می‌یابد. جنگل بارانی آمازون مخزن بی‌نظیر کربن است، کربن زیادی که وقتی (در اثر جنگل‌زدایی) در هوا آزاد شود، سیاره زمین را گرم می‌کند. اکنون برزیل در جهان مقام چهارم را در انتشار کربن دارد و بیشتر آن ناشی از جنگل‌زدایی است (Grunwald, 2008: 40).

در مدل بازار برای تأمین بودجه طرح‌های عمومی از شیوه محاسبه هزینه-فایده استفاده می‌شود، از این رو برای اختصاص بودجه به طرح‌های زیست‌محیطی سود مورد انتظار از ارزش فعلی آن کسر می‌شود و بسته به سود آن در آینده به آن بودجه اختصاص داده می‌شود (میلر، ۱۳۹۰: ۲۱۰). از آنجا که سود مادی محیط زیست نسبت به بخش‌های صنایع و کشاورزی بسیار کمتر است، همواره بودجه کمتری به این بخش اختصاص داده می‌شود که در تخریب محیط زیست نقش دارد. از طرفی دیگر گروه‌های ذی‌نفع قانونگذاران را بر ضد تصویب قوانین زیست‌محیطی، با این استدلال که اجرای این قوانین هزینه را افزایش و تقاضا را کاهش می‌دهد، تحت فشار قرار می‌دهند (رمضان اختر، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

در این نظام حفاظت از محیط زیست تنها یک بخش هزینه‌بر محسوب می‌شود که بودجه‌های اختصاصی به آن سرعت رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و موجب عقب ماندن یک کشور از رقبای خود در عرصه بین‌المللی می‌شود. ایالات متحده که اقتصاد آن ۲۰ تا ۲۵ درصد گازهای گلخانه‌ای جهان را تولید می‌کند، با این ادعا که کاهش گازهای گلخانه‌ای براساس برنامه زمانی مشخص موجب کاهش رشد اقتصادی این کشور خواهد شد، از پذیرش موافقت‌نامه «کیوتو» خودداری کرد. از آنجا که این هزینه‌ها در نظام قیمت‌گذاری بازار محاسبه نمی‌شوند، اقتصاددانان آن را «هزینه‌های بیرونی» (Externalities) می‌نامند (میلر، ۱۳۹۰: ۲۰۴-۲۰۳). این در حالی است که تخریب محیط زیست حتی مشکلی فراگیرتر و عمومی‌تر نسبت به تورم فزاینده، بدهی خارجی بیش از اندازه یا رکود اقتصادی است (Lofdahl, 2002: 30).

پایه نظام اسلامی وحی و دستورهای الهی است. در این نظام یک «عقلانیت متعالی» حاکم است که خطاناپذیر بوده و ایرادی بر آن نیست. بر خلاف نظام بازار آزاد که انسان را موجودی محاسبه‌گر و خودپرست می‌داند، تأکید اسلام بر الگوی «انسان فطری» است، این انسان دارای انگیزه‌های فطری الهی است که خدای حکیم این گرایش‌های فطری را به صورت استعداد درون انسان قرار داده است. انسان فطری نیز عاقل است، اما عقلانیت آن متفاوت از عقلانیت ابزاری در نظریه انتخاب عقلانی است، این عقلانیت یک عقلانیت فطری است که بین همه انسان‌ها مشترک است. این عقلانیت دربرگیرنده عقل نظری و عقل عملی است، ماهیت و کارکرد واقعیت‌شناس عقل نظری انسان را در درک و شناخت غایات و اهداف حقیقی کمک و هدایت می‌کند، عقل عملی به معنای نیروی عمل و کنش انسانی است که مربوط به بایدها و

نباید هاست و به داوری در مورد خوبی و بدی کنش‌ها، رفتارها و افعال خارجی انسان می‌پردازد، در نتیجه برانگیزاننده اعمال و رفتار نیک و بازدارنده افعال ناپسند در انسان تصمیم‌گیرنده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۴).

این عقلانیت فطری موجب می‌شود تا انسان‌ها و دولت‌ها (که سران آنها انسان‌های فطری‌اند) در برخورد با مسائلی مانند محیط زیست مبنای محاسباتی خود را نه محاسبه سود و زیان شخصی بلکه عمل به تکلیف خود در برابر خدا و دستورهای شرع قرار دهند. در واقع منطق اقدام در نظام اسلامی «منطق تکلیف» است و نتیجه آن کسب رضای الهی با عمل به دستورهای شرع است. باید همه کارهای انسان در بعد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... ناشی از دستور خدا و در مسیر کسب رضای او باشد تا آن کارها جنبه عبادت پیدا کند (متفکر آزاد و خورشیددوست، ۱۳۸۵: ۱۷۳). در جهان‌بینی توحیدی پرهیز از صدمه زدن به محیط زیست و حفاظت از آن از روشن‌ترین تکالیف بشری است تا نشاط جامعه و افراد تضمین شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۸۴). «مسلمان نمی‌تواند خویش را تسلیم امر خداوند (قوانین تشریحی) بداند و در عین حال در ستیز با محیط زیست و طبیعت و برهم‌زننده نظم حقیقی (قوانین تکوینی) باشد» (امین‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۳). در اسلام تصمیم‌گیری اقتصادی نه بر مبنای سود فردی بلکه بر مبنای شاخص گسترده‌تری که سود مادی و معنوی را در برمی‌گیرد گرفته می‌شود. این شاخص موجب درونی کردن هزینه آلودگی در تصمیمات تولیدکنندگان و در نتیجه کاهش آلودگی زیست‌محیطی می‌شود (رمضان‌اختر، ۱۳۸۱: ۱۲۴).

منطق تکلیف موجب می‌شود تا انسان در برخورد با طبیعت و محیط زیست هرگز حاضر نشود تا در راستای سود شخصی و مادی و زودگذر خود دستورهای الهی را زیر پا بگذارد و درصدد تخریب محیط زیست برآید. در اسلام بشریت نقش خلیفه خدا روی زمین را دارد (<http://islamicclimatedeclaration.org/islamic-declaration-on-global-climate-change>). ما نماینده خدا روی زمین هستیم، نه رئیس این زمین و زمین به ما تعلق ندارد تا هر کاری که میل داریم با آن انجام بدهیم. زمین به خدا تعلق دارد و او ما را مأمور حفظ این امانت کرده است. این خلیفه در قبال اقداماتش مسئول است (Fazlul, 1999: 12-13). امام صادق (ع) می‌فرماید: «المال مال الله یضعه عند الرجل ودایع» (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۹۳).

دستورها و شرع الهی در زمینه چگونگی برخورد با محیط زیست و طبیعت در قرآن و سیره ائمه و انبیا به‌روشنی آمده است و در صورتی که این دستورها و قوانین الهی اجرا شود، هرگز توازن زیست‌محیطی که خدای متعال به وجود آورده است به هم نخواهد خورد و طبیعت حفظ می‌شود و حتی به کمال می‌رسد. خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها»: و در زمین در پی آراستگی‌اش، دیگر خرابی به بار نیاورید (اعراف: ۵۶).

خداوند در این آیه تمامی انسان‌ها را مکلف می‌کند که آراستگی و توازن محیطی را که خدا به وجود آورده است خراب نکنند. عمل به تکلیف الهی در قبال محیط زیست نه تنها موجب حفظ تعادل و توازن اکوسیستم طبیعی می‌شود، بلکه فراتر از آن موجب کمال آن می‌شود و خیروبرکتش فزونی می‌گیرد، اما اگر انسان‌ها به تکلیف خود در این زمینه عمل نکنند، علاوه بر اینکه توازن زیست‌محیطی را بر هم می‌زنند و آن را تخریب می‌کنند، بلکه خدا نیز آنها را از نعمت‌ها و مواهب خود محروم می‌کند. در همین زمینه امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «خداوند در هر نعمتی دارای حق است، پس هر کس آن را ادا کند، خداوند نعمت او را زیاد می‌کند و هر که کوتاهی کند، در معرض زوال نعمت قرار می‌گیرد» (اصغری لقمجانی، ۱۳۸۴: ۶۹).

انسان جایگاه ویژه‌ای در این جهان دارد. انسان محور و مرکز عالم هستی است و نیز مدیر و امانتدار طبیعت است (Sardar, 1984: 157). اما تکلیف انسان در قبال مسئله محیط زیست تنها به آسیب نرساندن به طبیعت محدود نمی‌شود و علاوه بر جنبه سلبی جنبه ایجابی نیز دارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «خداوند درخت را برای انسان آفریده، پس او مکلف شد به اینکه درخت بکارد، آن را آبیاری کند و در حفظ آن بکوشد» (اصغری لقمجانی، ۱۳۸۴: ۶۹). در این حدیث انسان مکلف شده است در راه حفاظت و ارتقای محیط زیست بکوشد. او نمی‌تواند نسبت به مراقبت از عالم طبیعت غفلت بورزد، مگر آنکه به ربوبیت خداوند، که در میثاق ازلی پذیرفته بود، خیانت کند (نصر، ۱۳۷۹: ۲۲۲).

به‌طور کل در نظام بازار آزاد حاکم بودن منطق نتیجه و محاسبه هزینه و فایده شخصی در قبال محیط زیست موجب بهره‌برداری گسترده از محیط زیست، بدون توجه به منافع عمومی، و تخریب و نابودی و آلودگی آن می‌شود. در مقابل در نظام اسلامی منطق تکلیف و هدف کسب رضای خدا از طریق عمل به دستورهای شرعی، که انسان را مکلف به حفظ و تکامل طبیعت کرده‌اند، موجب تعادل و توازن محیط زیست و در نهایت حرکت انسان و همه دیگر موجودات به سوی کمال حقیقی خواهد شد.

مصرف‌گرایی یا کمال‌گرایی

تفاوت منطق اقدام در دو نظام سرمایه‌داری و نظام اسلامی تعیین‌کننده هدف فرد و اجتماع خواهد بود. منطق نتیجه سبب خواهد شد تا لذت‌گرایی مادی و مصرف‌گرایی به یک هدف و ارزش در اجتماع تبدیل شود. وقتی چیزی به ارزش تبدیل شود دارندگان آن دارای جایگاه و مقام بالاتری در اجتماع بوده و مورد احترام دیگران خواهند بود، در نتیجه تمامی واحدها درصدد برمی‌آیند تا خود را متصف به این ارزش‌ها کنند. آنچه در یک فرهنگ و جامعه فضیلت به‌شمار می‌رود، در جوامع و فرهنگ‌های دیگر ممکن است یک رذیلت باشد. پس اگر

در نظام سرمایه‌داری مصرف‌گرایی یک ارزش برای فرد در اجتماع تلقی می‌شود، زیرا موجب لذت مادی و نیز شأن و منزلت اجتماعی برای فرد خواهد شد، در نظام اسلامی نه تنها فضیلت نیست بلکه یک رذیلت است، زیرا موجب دوری انسان و اجتماع از خدا و کمال حقیقی خواهد شد.

در نظام بازار آزاد سرمایه‌داری افراد و کشورها سعی دارند تا با جمع‌آوری قدرت و ثروت بیشتر برای خود ابرو و حیثیت به‌وجود آورند، از این رو به مصرف‌گرایی بیشتر روی می‌آورند. این فرض توسط طرح تجارت لیبرال مسلم است که تجارت بیشتر بهتر است و گسترش تجارت پیش‌نیاز رشد اقتصادی است (Taylor & Thomas, 1999: 191). در الگوی بازار آزاد ما شاهد «حاکمیت مصرف‌کننده» هستیم و مصرف‌کننده، به‌عنوان نیروی مسلط در اقتصاد اولویت دارد (میلر، ۱۳۹۰: ۴۴). این امر بدین دلیل است که مصرف‌گرایی لازمه رشد و رونق اقتصاد سرمایه‌داری است و از اینجاست که این نظام مصرف‌گرایی را به یک ارزش تبدیل کرده است. امروزه این قضیه به‌خوبی پذیرفته شده که کشورها از تجارت سود می‌برند. اما اگر تخریب محیط زیست را نیز در نظر بگیریم، این قضیه باز هم صادق است؟ مثلاً فرض می‌شود که یک کشور در تولید یک کالایی که به‌شدت محیط زیست را آلوده می‌کند، «مزیت نسبی» دارد و این کالاها را صادر می‌کند. در نتیجه آلودگی بیشتری انتشار یافته و ظرفیت محیط زیست نیز کاهش می‌یابد. پس بین دستاوردهای رفاهی منتج از تجارت و ظرفیت زیست‌محیطی رابطه‌ای معکوس وجود دارد (Siebert, 1980: 17).

نظام بازار برای برآوردن انتظارات مصرف‌کنندگان بدون توجه به تخریب و نابودی محیط زیست به غارت منابع طبیعی خواهد پرداخت. کارخانه‌های تولید مواد شیمیایی (مانند کارخانه‌های تولید روغن موتور) اگرچه در تبلیغات خود، با محیط زیست همدلی می‌کنند و خود را دوستدار و حافظ محیط زیست می‌دانند، این طبیعت‌دوستی تنها ابزاری است برای انحراف افکار عمومی و اگر از این سرمایه‌داران و تولیدکنندگان خواسته شود که داوطلبانه از گستره صنایع خود در جهت جلوگیری از تخریب محیط زیست بکاهند، بی‌گمان حاضر نخواهند شد که سود شخصی خود را فدای خیر عمومی کنند. سران دولت‌ها نیز همواره از بحران زیست‌محیطی ابراز نگرانی می‌کنند، اما در عمل، به این بهانه که اجرای طرح‌های زیست‌محیطی رشد اقتصادی آنها را کاهش می‌دهد، از پذیرش این سازوکارهای زیست‌محیطی خودداری می‌کنند. کابینه بوش به این بهانه که کاهش گازهای گلخانه‌ای موجب کاهش رشد اقتصادی این کشور می‌شود، از پذیرش موافقت‌نامه کیوتو خودداری کرد، در نتیجه این عدم مشارکت میزان تولید گازهای گلخانه‌ای سالانه ۳ درصد از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ افزایش یافت (میلر، ۱۳۹۰: ۲۰۳).

در نظام اسلامی نه مصرف و لذت مادی بلکه «کمال‌گرایی» ارزش محسوب شده و اسراف و تبذیر رذیلت تلقی می‌شود. در این نظام همه انسان‌ها درصدد خواهند بود تا در کسب رضای الهی و کمال حقیقی، به‌عنوان یک ارزش، از یکدیگر سبقت بگیرند و از مصرف‌گرایی و اسراف و تبذیر، به‌عنوان رذیلت، دوری کنند. این امر به دو صورت در حفظ محیط زیست و طبیعت نمود می‌یابد: اولاً، دوری از مصرف‌گرایی و اسراف موجب بهره‌برداری بهینه و بجا از منابع طبیعی در برآوردن نیازهای انسان شده که حفظ توازن و تعادل اکوسیستم را به‌دنبال دارد؛ ثانیاً، هدف کسب رضای الهی از طریق عمل به تکلیف و کمال‌گرایی، به‌عنوان یک ارزش، موجب خواهد شد تا انسان‌های مؤمن در این زمینه به دستورهای شرع در مورد طبیعت و محیط زیست عمل کنند و این امر به حفظ و تکامل محیط زیست منجر خواهد شد. هدف انسان در استفاده از منابع و محیط زیست نه فقط رفع نیازهای مادی خود، بلکه کمال خویشتن به‌سوی هدفی والا است و برای این کمال باید منابع را نیز کمال بخشید و تنها ثبات و حفظ محیط زیست کفایت نمی‌کند (امین‌زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۷).

خداوند متعال اسراف و تبذیر و تخریب طبیعت را معادل «فساد» قرار داده و بیزاری خود را از مسرفان ابراز می‌دارد و در این زمینه در آیه ۱۴۱ سوره انعام می‌فرماید: «و لا تسرفوا، انه لایحب المسرفین»: اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد (انعام: ۱۴۱). پروردگار بزرگ فراتر از ابراز بیزاری مسرفان را برادران شیطان و همدلان آتش می‌خواند و هشدار داده که آنها را هدایت نمی‌کند: «و لا تُبذِرْ تَبذیراً اِنَّ الْمُبذِرِینَ کَانُوْا اِخْوَانَ الشَّیْطٰنِ»: هرگز اسراف و تبذیر مکن، چراکه تبذیرکنندگان برادران شیطان‌اند (اسراء: ۲۶ و ۲۷). «وَ اِنَّ الْمُسْرِفِیْنَ هُمْ اَصْحَابُ النَّارِ»: و زیاده‌روها (هم) آنان همدلمان آتش‌اند (غافر: ۴۳). «اِنَّ اللّٰهَ لَا یَهْدِیْ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ کَذٰبٌ»: همانا خدا کسی را که زیاده‌رو بس دروغ‌زن است هدایت نمی‌کند (غافر: ۲۸).

البته باید گفت که خدا انسان را از استفاده از نعمات و مواهب طبیعت بر حذر نمی‌دارد، بلکه به این امر دستور می‌دهد که باید در حد نیاز و به‌طور عادلانه آن را مصرف کنند و در واقع باید از افراط که همان فساد است دوری کنند: «کُلُوْا وَاشْرَبُوْا وَلا تُسْرِفُوْا اِنَّهٗ لَا یحِبُّ الْمُسْرِفِیْنَ»: و بخورید و بیاشامید اما زیاده‌روی نکنید که او بی‌گمان اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد (اعراف: ۳۱). نیز در آیه‌ای دیگر می‌فرماید که: هرگز در طلب فساد در زمین مباش، و از آنچه خدا از مال و جاه و حشمت به تو داده استعانت در فساد مجوی، که خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد (قصص: ۷۷). این بدان معناست که استفاده از منابعی که خدا در اختیار ما قرار داده است تنها وقتی ممنوع است که به فساد و اسراف و تبذیر منجر شود. امام علی (ع) نیز انسان را از اسراف و افراط منع کرده و به اعتدال، که همان مصرف و بهره‌برداری بهینه از

نعمت‌های الهی است، سفارش می‌کنند و می‌فرمایند: «علیک بترک التبذیر و الاسراف، و التغل بالعدل و الانصاف: بر تو لازم است که ریخت‌وپاش و اسراف را رها کنی و به عدل (و اعتدال) و انصاف خود را بیارایی» (حکیمی، ۱۳۶۳: ۴۱۲).

پیامدهای مصرف‌گرایی و اسراف در نهایت گریبان‌گیر خود انسان شده و موجب قهر خدا می‌شود و برکت را از بین می‌برد و از این طریق انسان‌ها سزای نافرمانی از دستورهای الهی و تخریب ملک خداوند را خواهند چشید. در این زمینه پروردگار عالم می‌فرماید: «ضایع نکنید منابع پاکیزه‌ای را که خداوند در اختیار شما قرار داده است و تجاوز نکنید از حدود خویش، چراکه متجاوزین مشمول محبت خداوند نخواهند بود» (مانده: ۸۷). و در آیه‌ای دیگر فرموده‌اند: «بخورید از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود سقوط می‌کند» (طه: ۸۱). خداوند در آیه‌ای عامل افزایش نعمت‌های طبیعی را شکر نعمت می‌داند: «اگر شکر نعمت‌های من را به‌جا آورید من به‌طور قطع نعمت‌های شما را افزون می‌کنم و اگر کفران کنید باید بدانید که عذاب من سخت است» (ابراهیم: ۷). یکی از معانی شکر در این آیه «شکر عملی» است، یعنی استفاده درست از نعمت‌های خداوند. اگر از مواهب الهی قدردانی و حق‌شناسی کرده و به‌نحو مطلوب بهره‌برداری کنید، آنها را بر شما افزایش می‌دهیم و اگر ناسپاسی کنید و آن نعمت‌ها را بیهوده و در راه خلاف مصرف کنید، عذاب من البته شدید است (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۳۶). البته می‌توان گفت که این عذاب الهی تنها نتیجه اعمال بشر در تخریب محیط زیست و طبیعت و برهم زدن توازن آن است و این عذاب الهی برای بازداشتن انسان از ادامه تخریب طبیعت است و از این‌رو در جایی دیگر آمده است که: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»: با دستاوردهای بشر، فساد در خشکی و دریا نمودار شد، تا خدا بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند شاید باز گردند (روم: ۴۱).

با توجه به آیه بالا می‌توان گفت که بحران زیست‌محیطی که امروز در جهان به‌وجود آمده مانند گرمای زمین، خشکسالی، آلودگی هوا و... در نتیجه اعمال خود انسان‌ها رخ داده است (<http://islamicclimatedeclaration.org/islamic-declaration-on-global-climate-change>) و خداوند متعال با اینکه بر هر کاری تواناست و می‌تواند بشر را از این بحران نجات دهد، به این دلیل این کار را نمی‌کند تا شاید انسان‌ها به اشتباه خود پی ببرند و دست از فساد و تخریب زمین بردارند. از این‌رو بحران زیست‌محیطی لاینحل نیست و در صورتی که انسان‌ها به راه راست بازگردند و به تکلیف شرعی خود در قبال محیط زیست عمل کنند، خدای متعال نیز انسان‌ها را از این بحران نجات می‌دهد و برکات خود را بر بشر عرضه می‌دارد. البته حل این بحران دائمی نیست و اگر انسان‌ها پس از اصلاح مجدداً به اعمال پیشین خود بازگردند، باز همین

بحران بروز خواهد کرد. خدا این شرط را این‌گونه بیان می‌کند: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف: ۵۶).

این امر تا زمانی که نظام سرمایه‌داری بر جهان مسلط باشد محقق نخواهد شد، چون این نظام ظرفیت حل این بحران را ندارد و به تخریب روزافزون آن می‌انجامد و تنها زمانی می‌توان از حل این بحران سخن گفت که نظامی در زمین به‌وجود آید که طبق دستورهای الهی در مورد محیط زیست عمل کند و نظام اسلامی از این ظرفیت و توانایی برخوردار است. از این جهت است که در کنفرانس بین‌المللی مسکو (۱۹۹۰م) موضوع حل بحران‌های زیست‌محیطی از طریق پیوند علم و دین مطرح شد و ارائه تعریف مجدد از علم و فناوری و نیاز به برخورداری از یک پایه مذهبی برای فعالیت‌های انسان در زمین مورد تأکید قرار گرفت (امین‌زاده، ۱۳۷۷: ۹۸). تاپفر، مدیر اجرایی محیط زیست سازمان ملل متحد نیز بیان کرد: «ما می‌خواهیم در زمینه مسائل زیست‌محیطی با جهان اسلام یک همکاری مناسب و نزدیک داشته باشیم... اعتقاد راسخ دارم که ارزش‌های معنوی جهان اسلام بستر مناسبی جهت اجرای برنامه‌های لازم جهت حفظ آفریده‌های خدا و تنوع زیست‌محیطی است» (پورسعید، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۳). نکته شایان ذکر اینکه بر خلاف نظام بازار آزاد که انسان را کنشگری عقلانی می‌داند که به دنبال بیشینه کردن سود خود در بازار است، در نظام اسلامی این نوع عقلانیت مادی عین جهالت است، اگر در نظام سرمایه‌داری مصرف‌گرایی کاری عقلانی است، در نظام اسلامی مصرف‌گرایی کاری جاهلانه و مفسدانه است. امام علی (ع) در همین زمینه می‌فرماید: «هیچ جهالت و نادانی مانند تبذیر نیست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۶۰). عقل و منطق حکم می‌کند که نباید از انسان جاهل پیروی کرد؛ عاملان نظام سرمایه‌داری که در جهت رشد و تحکیم این نظام مصرف‌گرایی و اسراف را تبلیغ و ترویج می‌کنند جاهل و نادانند؛ پس نباید از تبلیغات و توصیه‌های آنها در جهت مصرف‌گرایی پیروی کرد، زیرا پیروی از این تبلیغات موجب ترویج مصرف‌گرایی و در نتیجه تخریب و نابودی محیط زیست خواهد شد. در این زمینه خدای متعال می‌فرماید: «و فرمان مسرفان را پیروی نکنید، آنان که در زمین فساد می‌کنند و (هرگز) به اصلاح نمی‌پردازند» (شعراء: ۱۵۱-۱۵۲).

در نتیجه می‌توان گفت که در نظام سرمایه‌داری منطق نتیجه موجب خواهد شد تا انسان‌ها و دولت‌ها تنها به مصرف‌گرایی و بیشینه کردن لذت‌های مادی خود بپردازند و این امر به بهره‌برداری حداکثری از منابع طبیعی، در راستای تأمین کالاهای تجملی و غیرضروری برای انسان‌ها، منجر شده و در نتیجه تخریب روزافزون محیط زیست را در پی خواهد داشت. در مقابل منطق تکلیف موجب خواهد شد تا انسان‌ها فقط به کسب رضای الهی و عمل به دستورهای شرع در قبال محیط زیست، و در جهت کمال حقیقی، بیندیشند، که موجب حفظ

توازن زیست‌محیطی و فراتر از آن کمال و پیشرفت طبیعت و سیر انسان به سوی غایت نهایی که همان قرب الهی است خواهد شد.

طبیعت: نظامی باز یا بسته

بسته به اینکه یک نظام فرض خود را بر بسته یا باز بودن نظام طبیعت بگذارد، رفتار متفاوتی را در قبال این مسئله اتخاذ خواهد کرد. «هرمان دیلی» بنیانگذار رشته «اقتصاد زیست‌محیطی» در انتقاد از رویکرد مدل بازار آزاد در قبال طبیعت معتقد است که این مدل رشد اقتصادی و بهره‌برداری از منابع طبیعی را نامحدود می‌داند، اما از آنجا که زمین نظام بسته‌ای است دستیابی به رشد نامحدود کاملاً غیرممکن است. زمانی که دیلی در بانک جهانی کار می‌کرد فرصتی یافت تا به بازمینی پیش‌نویس گزارش بانک جهانی برای طرح اجلاس ریو (۱۹۹۲م) در خصوص محیط زیست و توسعه بپردازد. نویسنده اصلی گزارش، اقتصاددان برجسته بانک جهانی «لری سامرز» بود. در این پیش‌نویس نموداری از مدل بازار نیز گنجانده شده بود. دیلی به سامرز نشان داد که بازار یک زیرنظام از نظام جامع‌تر اما محدود، به نام نظام طبیعی زمین است و از این‌رو نمودار باید به گونه‌ای ترسیم شود که چنین قالبی را در نظر گیرد. سامرز با این استدلال موافق نبود. مخالفت بر سر این مسئله بود که آیا اقتصاد یک نظام باز است یا بسته. راهکار سامرز برای حل این مسئله تعارض برانگیز بسیار ساده بود: حذف نمودار از متن! (میلر، ۱۳۹۰: ۲۰۷).

این فرض که منابع طبیعی نامحدود است، موجب برداشت بی‌رویه و هرچه بیشتر از منابع طبیعی می‌شود. این در حالی است که از یک سو، منابع طبیعی محدود است و بسیاری از گونه‌های گیاهی و جانوری منقرض شده یا رو به انقراض است؛ و از سوی دیگر طبیعت تنها تا حدی قادر به جذب پسماندها و زباله‌های ناشی از فعالیت انسانی است. براساس گزارش برنامه محیط زیست ملل متحد، تعداد گونه‌های شناسایی شده در کره زمین حدود ۱۳۶۰۰۰۰۰ گونه است و بسیاری از این گونه‌ها رو به انقراض است و انقراض نامتعارف یک گونه سبب اختلال جدی در روند زندگی و فعالیت گونه‌های دیگری است که با آنها در ارتباط است (اردکانی، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

طرفداران تجارت آزاد معتقدند که آزادسازی تجاری رقابت را گسترش داده و سودمندی را افزایش می‌دهد، که به یک «وضعیت برد-برد» (Win-Win Situation) برای همه اقتصادها منجر می‌شود. آنها همچنین ادعا می‌کنند که تجارت آزاد موجب حفظ محیط زیست می‌شود، یعنی رشد و استانداردهای زندگی سطح بالا آگاهی عمومی را در زمینه محیط زیست بهبود می‌بخشد و از این‌رو آنان برای رفاه و سلامتی بیشتر خود از محیط زیست محافظت می‌کنند

(Chi, Eden: 2005: 140). این ادعاها در حالی است که این میزان رشد اقتصادی در ارتباط مستقیم با نابودی محیط زیست است، که نابودی آن مساوی با نابودی انسان نیز خواهد بود. همچنین اقتصادها، و در نتیجه هزینه‌های زیست‌محیطی ممکن است به درجه‌ای شایان توجه بین‌المللی شده باشند، اما ثروت و درآمد آن در سطح محلی باقی می‌ماند و به‌طور نابرابری توزیع می‌شود (Hirst and Thompson, 1996:102).

در نظام اسلامی طبیعت و محیط زیست نامحدود فرض نشده و بر بسته بودن نظام طبیعت تأکید شده است، البته این به معنای نقص در نظام طبیعت نیست، بلکه خدای متعال در نظام طبیعت همه چیز را به اندازه و متوازن آفریده است و اگر با بهره‌برداری بی‌رویه از آن این تعادل و توازن به هم خورده است، دلیلی بر نقص خلقت نیست. شهید مطهری در این زمینه می‌فرماید: «جهان، موزون و متعادل است، اگر موزون و متعادل نبود برپا نبود، نظم و حساب و جریان معین و مشخصی نبود. در قرآن کریم آمده است: «و السماء رفعها و وضع المیزان». همان‌طور که مفسران گفته‌اند مقصود این است که در ساختمان جهان، تعادل رعایت شده است؛ در هر چیز، از هر ماده‌ای به قدر لازم استفاده شده است؛ فاصله‌ها اندازه‌گیری شده است (مطهری، ۱۳۷۶: ۷۹ و <http://islamicclimatedeclaration.org/islamic-declaration-on-global-climate-change/>).

خداوند بلندمرتبه می‌فرماید: «انا کل شیء خلقنا بقدر»: هر آنچه را که ما آفریده‌ایم به اندازه و متناسب آفریدیم (قمر: ۵۴) و به‌طور مشابهی در جای دیگری آمده است: «و خلق کل شیء فقدره التقديراً»: و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که در خور آن بوده، اندازه‌گیری کرده است (فرقان: ۲). این آیه، بیانی است کلی درباره وجود تقدير و تعادل در آفرینش هر پدیده، خدا برای امرار معاش آفریدگان مقدار معینی از منابع زیست‌محیطی را قرار داده که با تقاضای کل منابع در جهان برابری می‌کند و این نشان از توازن زیست‌محیطی در جهان از دیدگاه اسلام دارد (رمضان‌اختر، ۱۳۸۱: ۱۲۶). از این‌رو خدا در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید: «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را لازمه آفرینش او بوده است، داده، سپس او را در مراحل هستی هدایت کرده است» (طه: ۵۰).

البته این محدودیت منابع طبیعی به معنای ناتوانی خدای بلندمرتبه نیست، همان‌طور که در قرآن کریم آمده است، خدا بر هر کاری تواناست و بسته بودن نظام طبیعت براساس حکمت خداوند است و اینکه خداوند در هر چیزی اعتدال و توازن را رعایت کرده است. از این‌رو خدای بزرگ می‌فرماید: «منبع و مخزن و سرچشمه هر چیز در نزد ماست ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم» (حجر: ۲۱).

بر خلاف مدل بازار آزاد که نظام اقتصادی را مستقل از نظام طبیعت می‌داند، در نظام اسلامی همه ابعاد هستی و از جمله محیط زیست و نظام اقتصادی در ارتباط با یکدیگرند و

زمانی که خداوند انسان‌ها را از اسراف و مصرف‌گرایی نهی می‌کند، به سبب این است که اسراف و تبذیر به مصرف بی‌رویه نعمت‌های خداوند می‌انجامد و نابودی محیط زیست را پی دارد. از این رو خداوند اسراف و تبذیر را مصداق فساد در زمین دانسته و بیزاری خود را از این فساد ابراز می‌دارد: «می‌کوشد تا در زمین فساد کند و هرس (گیاهان) و نسل (انسان‌ها و حیوانات) را نابود کند و خداوند فساد را دوست نمی‌دارد» (بقره: ۲۰۵). از این رو در الگوی اسلامی محیط زیست و منابع طبیعی در ارتباط با کل سیستم جایگاه ویژه‌الی دارد. این امر ناشی از جهانشمولی اسلام به عنوان سیستم کامل حیات انسانی دارد (متفکر آزاد و خورشید دوست، ۱۳۸۵: ۱۶۷).

اینکه خدا همه چیز را به اندازه و متوازن آفریده از یک سو و اینکه طبیعت نظامی بسته است و منابع طبیعی محدود است، موضوع «عدالت بین‌نسلی» و «توسعه پایدار» را پیش می‌کشد. «توسعه پایدار بر رویکردی کل‌نگر، تساوی‌گرا و دوراندیشانه در تصمیم‌گیری در همه سطوح تأکید دارد. توسعه پایدار نه تنها بر کارایی اقتصادی قوی، بلکه بر «عدالت فرانسلی و بین‌نسلی» (Intragenerational and Intergenerational Equity) نیز تأکید می‌کند. توسعه پایدار متکی بر پیوند متوازن بین اهداف و مقاصد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، در هر دو عرصه تصمیم‌سازی خصوصی و عمومی، متکی است» (<http://www.uncsd2012.org/>) <http://www.uncsd2012.org/greeneconomy.html>. توسعه پایدار خود متضمن مفاهیمی چون «اقتصاد سبز» (Green Economy)، «رشد سبز» (Green Growth) و «توسعه کم کربن» (Low Carbon Development) است (Allen & Clouth, 2012: 5). در توسعه پایدار هر نسل باید منابع آب، هوا و خاک را خالص و بدون آلودگی همانند زمانی که این منابع روی زمین بوده‌اند، حفظ کند و برای نسل بعد باقی گذارند (پرم راجرز و مک‌گیل، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

هرمان دیلی معتقد است که در مدل بازار ارزش هر چیزی با پول و میزان پولی که می‌تواند تولید کند سنجیده می‌شود. بنابراین چنانچه مشخص شود سود حاصل از تبدیل منابع طبیعی در طول یک دوره زمانی در آینده بیشتر خواهد بود، از دیدگاه بازاری استفاده از آن منبع طبیعی در زمان حال توجیه می‌شود. دیلی این مشکل مدل بازار را «کاربرد نادرست مقیاس بین‌زمانی» می‌نامد (میلر، ۱۳۹۰: ۲۱۰-۲۰۹). استفاده از شیوه محاسبه هزینه-فایده موجب می‌شود تا در تخصیص بودجه دولت مبلغ بسیار کمی به طرح‌های زیست‌محیطی اختصاص داده شود، زیرا بهره‌ای را که باید در آینده بدهد نسبت به دیگر بخش‌ها مانند صنعت و کشاورزی بسیار کمتر است. از طرفی اگر تقاضا برای یکی از اقلام طبیعی در بازار توسط مصرف‌کنندگان یا دیگر سازمان‌های تولیدی در بازار بالا باشد، قیمت آن نیز افزایش و در نتیجه سودی که در زمان حال از بهره‌برداری و عرضه این منبع طبیعی به بازار عاید سازمان‌های تولیدی می‌شود، نسبت

به سود آن در آینده بیشتر می‌شود. این امر بهره‌برداری گسترده از این منبع طبیعی را، بدون توجه به محدودیت آن و سهم نسل‌های آینده در این منابع، موجب می‌شود که در نهایت تخریب و غارت محیط زیست را در پی خواهد داشت. از این رو می‌توان گفت که در مدل زمانی که پای سود اقتصادی در میان باشد، به عدالت بین‌نسلی و سهم نسل‌های آینده از منبع طبیعی و محیط زیست توجهی نمی‌شود.

بر خلاف مدل بازار، در نظام اسلامی به عدالت، چه درون‌نسلی و چه بین‌نسلی، توجه ویژه‌ای شده است. در واقع عدالت و اعتدال یک اصل محوری در اسلام است، تا آن حد که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «بالعدل قامت السموات و الارض» (توحیدی‌نیا، ۱۳۹۱: ۴۸). همان‌طور که در بخش‌های پیشین آمد، خدا همه چیز را به اندازه، متوازن و هماهنگ آفریده است. از این رو در قرآن آمده است که: «الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی»: همان که آفرید و هماهنگی بخشید و آن که اندازه‌گیری کرد و راه نمود (اعلی: ۳-۲). منظور از این آیه این است که خدا هر آنچه را که آفریده است به اندازه، هماهنگ و متوازن آفریده است، اما این امر بدین معنا نیست که این منابع تنها به اندازه نیاز یک نسل یا چند نسل است، بلکه این منابع به اندازه نیاز همه نسل‌های بشری است و همه باید از آن بهره ببرند. در این مورد خداوند در آیه ۲۹ سوره بقره می‌فرماید: «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً». اوست خدایی که برای همه شما هر آنچه را که در زمین است آفرید (بقره: ۲۹). این آیه با انسان‌ها اتمام حجت کرده است که تمام آنچه در زمین است برای همه انسان‌ها، شامل نسل حاضر و نسل‌های آتی، آفریده شده است.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که درحالی که جهان امروز با کمبود منابع طبیعی مواجه شده، چگونه ممکن است که منابع محدود زمین برای همه نسل‌ها کافی باشد؟ در پاسخ می‌توان گفت که حکمت خدا موجب شده که هر چیزی را به اندازه نیاز همه نسل‌های بشر بیافریند، اما این تنها در صورتی است که انسان‌ها به استفاده درست از منابع طبیعی بپردازند تا به همه نسل‌های بشر برسد و اگر امروزه بسیاری از منابع حیاتی رو به اتمام است، ناشی از مصرف‌گرایی بیش از حد و بهره‌برداری بی‌رویه از منابع است. در آیه ۶۱ سوره «هود» خدا تذکر می‌دهد که انسان را از زمین آفریده و زمین را به او سپرده تا آباد و قابل بهره‌برداری مطلوب سازد. از این رو وظیفه و مأموریت انسان در زمین، حفظ محیط زیست و عمران و آبادی زمین برای تمتع و رفع نیازهای خود در مسیر رشد و عبودیت خدا و سالم باقی گذاشتن آن برای انتفاع نسل‌های بعدی است (توسعه پایدار) نه تخریب و انهدام آن (متفکر آزاد و خورشیددوست، ۱۳۸۵: ۸۲).

نکته شایان ذکر اینکه بر خلاف مدل بازار آزاد که در بهره‌برداری از منابع طبیعی به ارزش پولی و سود ناشی از بهره‌برداری از آن در حال یا آینده توجه می‌کند و اینکه در تخصیص بودجه به طرح‌های زیست‌محیطی به محاسبه نرخ سود آن در آینده، نسبت به حال، می‌پردازد، در نظام اسلامی قیمت‌گذاری زمان آینده نسبت به حال به معنای مشروعیت «بهره» پول است. به عبارتی بهره یا سود حاصل از رانت پول، که مساوی با قیمت‌گذاری زمان یا همان «رباء» (Usury) است، در دین اسلام حرام است (Fazlul, 1999: 62). این مسئله موجب می‌شود تا در تخصیص بودجه برای حفاظت از محیط زیست به سود و بهره حاصل از آن در آینده نسبت به زمان حال، اهمیتی داده نشود و نفس حفاظت از محیط زیست مدنظر باشد نه بهره و سود مادی حاصل از آن در حال یا آینده. فراتر از این در دیدگاه حقوق اسلامی مسئله چگونگی استفاده از محیط زیست قطعاً یک حقوق برای منابع طبیعی است، این امر مسئله‌ای اقتصادی است، که در پشت آن یک حالت اخلاقی نهفته است (Fazlul, 1999: 58).

در کل می‌توان گفت که در مدل بازار آزاد فرض اینکه نظام طبیعت یک نظام باز است موجب بهره‌برداری بی‌رویه از آن در جهت رشد نامحدود اقتصادی و بدون توجه به سهم نسل‌های آتی از این منابع می‌شود. در مقابل در اسلام فرض توازن و تعادل در نظام طبیعت و بسته بودن آن موجب بهره‌برداری به‌جا از منابع طبیعی و حفظ توازن و تعادل آن و در نتیجه حفظ سهم نسل‌های آتی از طبیعت و محیط زیست خواهد شد.

نتیجه

نظام بازار آزاد سرمایه‌داری، به‌علت تخریب و نابودی محیط زیست کارکرد خود را در اداره نظام جهانی از دست داده و این امر نشأت‌گرفته از مبانی نظری آن است. در مقابل تحقق نظام بدیل، یعنی نظام جهانی اسلام موجب حفظ توازن و کمال محیط زیست می‌شود و این امر ناشی از مبانی نظری این نظام است. به عبارتی با مقایسه مبانی نظری نظام جهانی اسلام با مبانی نظری نظام بازار آزاد سرمایه‌داری، و عملکرد منفی آن در قبال محیط زیست، می‌توان به این نتیجه رسید که تحقق مبانی نظری نظام جهانی اسلام، موجب حفظ و تکامل محیط زیست خواهد شد. این موضوع که مبانی نظری از طریق ایجاد چه سازوکارها و نهادهایی، که مستخرج از قرآن و سنت و سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است - می‌تواند بحران زیست‌محیطی کنونی جهان را حل کند و محیط زیست را حفظ کند و تکامل بخشد، می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه (۱۳۷۳)، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳. نهج البلاغه. کتاب الکترونیکی.
۴. اصغری لقمجانی، صادق (۱۳۸۴)، اصول تربیت زیست‌محیطی در اسلام، تهران: سپهر.
۵. اردکانی، محمدرضا (۱۳۸۸)، اکولوژی، تهران: دانشگاه تهران.
۶. امین‌زاده، بهناز (۱۳۷۷)، «جهان‌بینی اسلام و محیط زیست: درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت»، محیط‌شناسی، ش ۳۰، (دی‌ماه)، ص ۹۷-۱۰۶.
۸. پورسعید، باسَم (۱۳۸۲)، «پایداری محیط زیست از دیدگاه اسلام»، فرهنگ جهاد، ش ۳۳ و ۳۴، (پاییز و زمستان)، صص ۲۶۲-۲۴۴.
۹. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات، ج اول.
۱۰. توحیدی‌نیا، ابوالقاسم (۱۳۹۱)، «ارزیابی توسعه پایدار از منظر اسلام»، راهبرد توسعه، ش ۳۱، (پاییز)، ص ۶۳-۳۹.
۱۱. جوادی آملی (۱۳۸۸)، اسلام و محیط زیست، قم: اسراء.
۱۲. جهانگیر، عیسی (۱۳۹۰)، «محیط زیست و بحران آن؛ رویکردی قرآنی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، ش ۳، (تابستان)، ص ۸۴-۶۳.
۱۳. حکیمی، محمدرضا و همکاران (۱۳۶۳)، الحیاه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۶.
۱۴. خسروی، علیرضا (۱۳۹۱)، مکتب امنیتی امام خمینی (ره): مبادی و مبانی فرانظری و نظری در گفتمان انقلاب اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی و بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
۱۵. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
۱۶. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۰)، «نظریه اسلامی سیاست خارجی: چهارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست خارجی، سال سوم، ش اول، (بهار)، ص ۴۷-۷.
۱۷. پرم‌ن راجرز، یوما؛ مک‌گیل؛ رمی جیمز (۱۳۸۲)، اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: نشر نی.
۱۸. رمضان اختر، محمد (۱۳۸۱)، «به‌سوی رویکردی اسلامی از توازن زیست‌محیطی»، ترجمه عباس عرب مازار و حسن دادگر، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، سال دوم، ش ۸، (زمستان)، ص ۱۴۱-۱۲۱.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۰۲)، میزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین. تفسیر میزان، کتاب الکترونیکی.
۲۱. فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۹)، «مبانی کلامی توسعه پایدار»، فلسفه دین، سال هفتم، ش ۵، (بهار)، ص ۶۲-۴۱.
۲۲. فراهانی‌فرد، سعید و محمدی، یوسف (۱۳۹۰)، «قرآن، چالش‌های زیست‌محیطی و مبانی نظام محیط زیست در اسلام»، پژوهش‌های اخلاقی، سال دوم، ش ۲، (زمستان)، ص ۴۲-۲۳.
۲۳. فقهی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «درآمدی بر حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه از دیدگاه اسلام»، فصلنامه تخصصی پژوهشنامه فقهی، سال دوم، ش ۴، (تابستان)، ص ۲۲۲-۱۸۵.
۲۴. لارسون، توماس و اسکیدمور، دیوید (۱۳۸۷)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل: تلاش برای کسب قدرت و ثروت، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، تهران: قومس.
۲۵. متفکر آزاد، محمدعلی و خورشیددوست، علی‌محمد (۱۳۸۵)، «بررسی تطبیقی جایگاه محیط زیست در الگوی توسعه اقتصادی اسلام و الگوی رایج جهانی»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز، ش ۲۱، (تابستان و پاییز)، ص ۱۹۶-۱۶۳.
۲۶. میلر، ریموندسی (۱۳۹۰)، اقتصاد سیاسی بین‌الملل: جهان‌بینی‌های متعارض، ترجمه محمدعلی شیرخانی، احمد فاطمی‌نژاد، علیرضا خسروی، تهران: سمت.

۲۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، قم: صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، کتاب الکترونیکی.
۳۰. نصر، سید حسین (۱۳۷۹)، نیاز به علم مقدس. ترجمه حسن میاننداری، قم: طه، ج اول.
۳۱. نصر، سید حسین (۱۳۷۷)، «انسان و طبیعت: بحران معنوی انسان متجدد»، ترجمه احمدرضا جلیلی. نقد و نظر، ش ۱۵، (تابستان و پاییز)، ۲۰۴-۲۱۳.
۳۲. نورائی، محسن (۱۳۹۱)، «جهانبینی قرآنی و محیط زیست»، آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۶، (پاییز-زمستان)، ص ۲۲-۳.

(ب) خارجی

33. Adjaye, John. Asafu (1999), Environmental Economics for Non-Economists: Techniques and Policies for Sustainable Development, Singapore: World Scientific Publishing Co.
34. Allen, Cameron & Clouth, Stuart (2012), A guidebook to the Green Economy, Issue 1: Green Economy, Green Growth, and Low-Carbon Development— history, definitions and a guide to recent publications, Division for Sustainable Development, UNDESA.
35. Chi, Chur. Chao & Eden, Siu-Hung Yu (2005), Environmental Policy, International Trade, and Factor Markets, Amsterdam: Elsevier.
36. Daly, Herman. E & Cobb, Jr. John (1994), For the Common Good, Boston: Beacon Press.
37. Fazlul, Khalid (1999), Islam and Environment, London: Ta-Ha Publishers Ltd.
38. Gray, John (1999), False dawn: The delusions of global capitalism, New York: New York Press.
39. Grunwald, Michael. (2008), The Clean Energy Scam, Time (April 7): 40-45.
40. Hirts, Paul, Thompson, Graham, Simon Bromley (1996), Globalization in Question, Cambridge: Polity.
41. Kegley, Charles.W & Blanton, Shannon.L (2011), World Politics: Trend and Transformation, Boston: Suzanne Jeans.
42. Lofdahl, L. Corey (2002), Environmental Impacts of Globalization and Trade: A System Study, Cambridge: Massachusetts Institute of Technology.
43. Mukhopadhyay, Kakali, Thomassin, J. Paul (2010), Economic and Environmental Impact of Free Trade in East and South Asia, London: Springer.
44. OECD (2009), The Economics of Climate Change Mitigation: Policies and Options for Global Action Beyond 2012, Secretary-General of the OECD.
45. Sardar, Ziauddin (1984), The Touch of Midas: Science, values and environment in Islam and the West, Manchester: Manchester University Press.
46. Shiva, Vandana (1997), Bio Piracy, Cambridge: South End Press.
47. Shiva, Vandana. (1999), Stolen Harvest: The Hijacking of the Global Food Supply, Cambridge: South End Press.
48. Siebert, H, Eichberger, J, Gronych, R, Pething, R (1980), Trade and Environment: A Theoretical Enquiry, New York: Elsevier Scientific Publishing Company.
49. Strause, Leo & Cropsey, Joseph (1987), History of Political Philosophy, Chicago: University of Chicago Press.
50. Taylor, Annie & Thomas, Caroline (1999), Global Trade and Global Social Issues, New York: Routledge.
51. WDI. (2009), World Development Indicators 2009, Washington, D.C.: World Bank.
52. WDR. (2008), World Development Report 2008, Washington, D.C.: World Bank.
53. <http://islamicclimatedeclaration.org> (Islamic Declaration on Global Climate Change) 2015/Agust/22.
54. <http://www.uncsd2012.org/greeneconomy.html> (Green economy - Rio+20 - United Nations Conference on Sustainable Development) 2015/Agust/23.